

اعتصاب کارگران پست کانادا و درس های آن

کانون مدافعان حقوق کارگر- بعد از چند هفته اعتصابات گردشی و جلوگیری از حضور و اشتغال کارگران در محیط کار توسط کارفرما، در تاریخ 28 ژوئن، دولت کانادا لایحه بازگشت به کار کارگران پست را در پارلمان کانادا تصویب کرد. (1) این اعتصاب پیروزمندانه کارگران پست، از این زاویه می‌تواند درسی مهمی باشد که خواست کارگران پست، نه تنها با بازگشت به کار سرکوب نشد، بلکه نشان داد که در صورت به کارگیری تاکتیک‌های درست در همبستگی یکپارچه کارگران، می‌توان به پیروزی دست یافت و در همان حال، اتحاد و یکپارچگی کارگران را افزایش داد. در اینجا به‌طور مختصر می‌خواهیم علل و سابقه تاریخی این موفقیت را بررسی کنیم. این پیروزی از آن جهت اهمیت دارد که در سال‌های اخیر، به علت وجود بحران‌های نظام سرمایه داری به طور کلی هم دولت‌ها و هم کارفرمایان، به ندرت حاضر می‌شوند امتیازی را به کارگران بدهند، زیرا با وجود بیکاری گسترده و رکود در فعالیت‌های اقتصادی، بیشترین بهانه را برای فشار به کارگران و استثمار بیشتر آنان، در دست دارند.

اولین اعتصاب مهم این اتحادیه در سال 1965 در زمانی صورت گرفت که نه تنها اعتصاب کارگران دولتی، غیرقانونی بود، بلکه آنها حتی حق تشکیل اتحادیه را هم نداشتند. این بزرگ‌ترین اعتصاب دولتی تاریخ کانادا، باعث شد تمام کارگران بخش دولتی برای اولین بار حق تشکیل اتحادیه و چانه زنی دسته‌جمعی را پیدا کنند. این‌گونه اتحادیه کارگران پست، که فعالان حزب کمونیست نطفه‌های آن را در آن سال‌ها ایجاد کرده بودند، قدم به عرصه‌ی وجود گذاشت. در سال 1972 در اعتصاب غیر قانونی (وایلد کت- در زمان قرار داد دسته جمعی، دست کشیدن از کار، غیر قانونی بود) رهبر سندیکا، ژان کلود پروت، به زندان افتاد. آنان برای به دست آوردن خواسته‌هایشان، از پرداخت هزینه، که می‌توانست اخراج دسته جمعی از کار و یا دستگیری و زندان باشد، واهمه نداشتند. در سال 1981 اعتصاب تاریخی دیگری رخ داد که باعث شد این اتحادیه، برای اولین بار حق مرخصی دوران بارداری را برای اعضایش به دست بیاورد. کارگران پست در سال 1982 توانستند با اعتصاب 42 روزه خود، حق زایمان را برای تمامی زنان کارگر به ارمغان بیاورند. آنها همچنین توانستند در سال 1991 کنترل هزینه مراقبت کودک را به دست آورند.

کارگران سندیکای پست، در تاریخ مبارزات‌شان موفقیت‌های زیادی داشته‌اند و اعتصاب آنها، در موارد مختلف با پیروزی و بازگشت به کار روبرو شده است. آنها در سال 1987 در زمان نخست وزیر مالرونی (از حزب محافظه کار) و در سال 1997 در زمان نخست وزیر ژان کراشین (از حزب لیبرال)، بعد از اعتصاب دو هفته‌ای، با پیروزی به کار بازگشتند. اعتصاب‌های بزرگ در سال‌های 1987 و 1991 علیه طرح احتمالی خصوصی‌سازی اداره‌ی پست، از دیگر نمونه‌های تاریخ مبارزاتی یکی از چپ‌ترین اتحادیه‌های آمریکای شمالی است.

در سال 1965 کارگران پست در کنگره مؤسس اتحادیه، خواهان بنیان‌گذاری نهاد سندیکایی شدند و با شعار "دمکراسی سندیکایی" از نهاد صنفی به نهاد سندیکایی تغییر مسیر دادند. اولین خواسته‌ی آنها، مبارزه برای برابری کار موقت و دائم بود. از زمان تاسیس تا به امروز، پس از چهل و شش سال، این نهاد همچنان برای همان خواسته‌های اولیه به مبارزه مؤثرش ادامه داده است.

منظور از "دمکراسی سندیکایی" این بود که اعضا باید در کلیه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و در تمامی مراحل کار، شرکت داشته باشند. این امر را تا جایی پیش بردند که برخلاف بعضی اتحادیه‌ها، که کارمندان‌شان را از غیر اعضا استخدام می‌کنند،

آنها تمام پرسنلشان را از اعضای سندیکا انتخاب می‌کنند. این اعضا هر دو سال يك بار، انتخاب می‌شوند و حقوق‌شان تا حد زیادی، هم‌سطح حقوق کارگرانی است که در خود اداره پست کار می‌کنند .

از مسائل مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، آن است که در تمامی کنگره‌های این سندیکا، سقف زمانی مشخصی برای خاتمه‌ی جلسات وجود ندارد. تا زمانی که قطعنامه یا دستورالعملی باشد که باید روی آن بحث شود، جلسه ادامه پیدا می‌کند، حتی تا نیمه شب.

برای آماده شدن برای يك اعتصاب، در تمامی محیط‌هایی که کارگران پست مشغول کار هستند، حداقل چهار سال کار می‌کنند و تمامی کارگران از خواسته‌هایی که به دولت پیشنهاد می‌شود، آگاه هستند. به همین خاطر است که همیشه در زمان رأی گیری برای اعتصاب، میزان رأی پشتیبانی از حرکت، در حدود 95 درصد است، تمامی کارگران بدون استثناء در اعتصاب شرکت می‌کنند و هیچ يك از کارگران پست، اعتصاب شکنی نمی‌کند. حتی مدیریت هم جرات نمی‌کند که کار کارگران اعتصابی را انجام دهد. این مساله، اهمیت دموکراسی تشکیلاتی را نشان می‌دهد.

یکی از ابزارهایی که دولت همیشه از آن استفاده کرده، کم اهمیت جلوه دادن کار این کارگران است، با این دید که نقش پست و ارتباطات، دیگر مثل گذشته نیست و تکنولوژی جدید می‌تواند کار آنها را انجام دهد. از این طریق، دولت بارها خواسته است که حقوق کارگران پست را پایین بیاورد. اما سندیکای پست، در همان چند اعتصاب گردشی خودش در طول دو هفته توانست نزدیک به 70 میلیون دلار، به کمپانی پست ضرر برساند و نگذارد کمپانی، از این حربه استفاده کند.

موضوعی که در هر حرکتی مهم است، حمایت افکار عمومی است. محل کار کارگران پست، در خیابان و در میان مردم است. با ارتباط نزدیک‌شان با مردم در کوچه و خیابان، آنان بسیار خوب عمل می‌کنند. این مردمی بودن آنها نگذاشته که کمپانی بتواند مردم را در مقابل آنها قرار دهد؛ کارگری که در سرمای زیر سی درجه و گرمای بالای سی درجه، در خیابان است و همیشه مشکل ایمنی کار دارد. موضوعی که کارفرما، به آن بی توجه است.

بر خلاف بخشی از کارگران امریکای شمالی که منافع شخصی‌شان را به منافع عمومی ترجیح می‌دهند و عکس‌العملی به دستمزد کمتر همکاران‌شان نمی‌دهند، کارگران پست نشان دادند که به این راحتی، نسل بعد از خود را فراموش نمی‌کنند و حاضر نیستند برای کسی که امروز استخدام می‌شود و در کنار آنها، کار مشابه انجام می‌دهد، حقوق و مزایا و بازنشستگی کمتری در نظر گرفته شود. این یکی از دلایل اصلی اعتصاب اخیر بود که همبستگی کارگران را افزایش داد.

سندیکای پست همیشه جهانی فکر کرده و محلی عمل کرده است، برای برابری انسانی، نژادی، مذهبی و طبقاتی، قدم‌های بزرگی برداشته است و در هر کجای دنیا که کارگران سرکوب شده‌اند، موضع گیری کرده است. سندیکای پست با آگاه‌سازی کارگری در تمامی سطوح، توانسته حدود پنجاه هزار کارگری را که در دوپست و ده شعبه پست، کار می‌کنند، در کنارش داشته باشد و کمتر دیده شده است که اعضای سندیکا، علیه سیاست‌های اجرایی سندیکا معترض باشند.

سندیکای پست، همان گونه که در میدان مبارزه توانست آگاهانه و درست پیش برود، در دادگاه هم از اعمال خود دفاع کرده و مانند همیشه با مبارزه درست‌اش، برای کارگران دیگر بخش‌های عمومی و خصوصی، دست‌آوردهای مهمی را به ارمغان آورده است.

(1) Canadian Union of Postal Workers (CUPW):

http://www.cupw.ca/index.cfm/ci_id/13425/la_id/1.htm

توضیح: هم‌زمان با مبارزات کارگران پست کانادا، در ایالت ویسکانسین آمریکا در پی اعتراضات وسیع کارگری، لایحه ضد سندیکای معلق کردن قرارداد دسته جمعی کارگران بخش عمومی در تمام ابعادش به تصویب رسید و فقط افزایش حقوق و آن هم سالانه، که هم سطح با تورم باشد، مورد قبول قرار گرفت. (این قانون شامل پلیس و کارکنان آتش نشانی نمی‌شود)

دو حرکت کارگری صورت گرفته بود:

یکی در ویسکانسین آمریکا، که توانسته بود در عمل به سر تیر تمامی خبرگزاری‌های جهانی تبدیل شود و بسیاری، امید انقلاب را از آن نوید می‌دادند، اما پس از ماه‌ها اعتراض و اشغال نهادهای دولتی، این حرکت، به يك حرکت درازمدت تبدیل نشد، تا جایی که سرنوشت نهایی آن، دیگر برای بسیاری از خبرگزاری‌ها، حتی در داخل جامعه امریکا، اهمیت زیادی نداشت و با سکوت خبری مواجه شد.

اما حرکت دوم یعنی مبارزات کارگران پست کانادا، حرکات جدیدی را در جنبش کارگری کانادا نوید داد. بررسی تجربه این دو حرکت کارگری، برای کارگران سراسر جهان، ارزشمند خواهد بود.